

و هشتاد مثل کلاس ها، دانشگاه ها و ...
متفاوت و بیشتر شده است؟ به نظر شما
کدام عامل در گذر زنان در سینما و تئاتر
تأثیر گذار تر است؟

هر دو مورد، اما تا فردی توانمند نباشد کسی به او کار نمی‌سپرد. من در حال حاضر عینا در کلاس های آنلاین دانشگاه این را می بینم. یک پروژه تعریف می کنیم که دخترها تا جلسه ی بعد آن را انجام می دهند و آقایان خیر. خاطر هست پدرم از من خواست تا اولویت اولم را دانشگاه الزهرا بزنم، با وجود اینکه رتبه ی من در علوم انسانی پنج و در رشته ی روانشناسی، حقوق و فلسفه یک بود. یکی از دلایلیش این بود که دانشگاه های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی آن سال گرایش کودکان استثنایی داشتند و فقط دانشگاه الزهرا بود که روانشناسی بالینی ارائه می کرد. دلیل دیگرش این بود که می گفت تو در سایه ی دانشجویان مرد کوتاه می آیی، یعنی استعدادت را خفه می کنی، سوالت را نمی پرسی و با استاد وارد چالش نمی شوی و در دوره ی کارشناسی ارشد به من ثابت شد که پدرم راست می گفت. بنابراین من سوال شما را اینطور جواب می دهم که توانایی های زنان باعث می شود که به آن ها نقش های بیشتری بدهند. توانایی های زنان مادر حال حاضر بسیار زیاد شده و از طرفی پسران ما تنبل شده اند من می بینم که یک دختر کامپیوتر یاد می گیرد و همزمان دو زبان خارجه را هم فرا می گیرد. در سطح جهانی هم زن ها در سیاست و همچنین شغل های کلیدی زیاد شده اند. برای مثال نود درصد افراد در سازمان ملل زن هستند. در بعضی از کشورها مثلاد کشورهای اسکاندیناوی تمام شغل های کلیدی، مقامات بالا و رئیس گروه دانشگاه ها زن هستند. به این دلیل که نسل جوان، زنان خیلی تلاشگری دارد و من خیلی خوشم می آید که دخترها یک جور دیگر بزرگ می شوند. من با پر خاشگری مخالف هستم، همان پر خاشگری که در فیلم های اوایل دهه هفتاد وجود داشت و هدیه تهرانی هم بیشتر این نقش ها را بازی می کرد، نمونه اش فیلم «قرمز» فریدون جیرانی که با پر خاشگری تمام می شد. شخصا با این نگاه که زن را به شکل یک سامورایی نشان دهند مخالف هستم البته در «قرمز» اینطور نبود که زن را سامورایی نشان دهند، او از حقوق خودش دفاع می کرد اما به هر حال در پایان با پر خاشگری تمام شد. فیلم «شام آخر» برای فریدون جیرانی هم خیلی پر خاشگرانه تمام شد اما خوشبختانه بعدتر دیدم که تعدیل شد، یعنی زن سلاح به دست در خیابان ها را نیفتاد. زن با استفاده از نیروی تعقل و توانایی هایش راهش را در جامعه باز کرد و چون توانمند بود جامعه به او شغل داد. باز هم تاکید می کنم که ما نسبت به جهان هنوز خیلی عقب هستیم اما جامعه ما هم نسبت به دهه من و حتی دهه شصت خیلی فرق کرده است.

این کثرت را ما در عوامل پشت دوربین
برای مثال در تدوین، فیلمنامه، گریم و



من خیلی خوشم
می آید که دخترها
یک جور دیگر
بزرگ میشوند.
من با پر خاشگری
مخالف هستم، همان
پر خاشگری که در
فیلم های اوایل دهه
هفتاد وجود داشت
و هدیه تهرانی هم
بیشتر این نقش ها
را بازی میکرد، نمونه
اش فیلم «قرمز»
فریدون جیرانی که
با پر خاشگری تمام
میشد. با این نگاه که
زن را به شکل یک
سامورایی نشان
دهند مخالف هستم!

اینطور می نویسم، شاید به این خاطر است که من هم تغییر کرده ام، سن رویم اثر گذاشته و دیگر آن موجود ترسیده ای نیستم که در دهه ی شصت به دبیرستان می رفت و زمان عوض می شود. فکر می کردم هم نسل های من با این آثار ارتباط برقرار نکنند و مراد به دروغ گویی متهم کنند که زن نمی تواند اینطور مطالبه گر، شجاع و جسور باشد اما دیدم همه ی آن ها می گویند ما این کارها را کرده بودیم اما رویمان نمی شد آن را جایی بگویم. در «او؛ یک زن»، زن چریک است و در «شیدا و صوفی» زن حق و حقوقش را می خواهد. فقط از آثار خودم مثال نمی زنم و تمام آثار مردانه ای که می خوانم، یعنی تمام آثاری که آقایان آن ها را نوشته اند بدون استثنا زن محور است و زن در پایان، مسیر فیلمنامه و کتاب را عوض کرده است. حرف شما درست است و با آن موافق هستم اما فکر می کنم که اصلا جهان دارد به سمت همسان سازی موقعیت های می رود. مادر ایران خیلی کار داریم تا به همسان سازی حقوقی هم برسیم اما همین که مردهای ما در حال باور کردن این هستند که زن ها چقدر توانایی دارند اتفاق خوبی است.

کثرت باز یگران زن و عوامل پشت صحنه
نشان می دهد که تعداد زنان خیلی زیاد
شده و این قابل توجه است. آیا از نظر شما
این موضوع تحت تأثیر توانایی های زنان
و ناگزیر بودن مردان به کمک گرفتن از
آن هاست و یا راه های ورود به عرصه ی
سینما و تئاتر به نسبت دهه های هفتاد

و کارهای این خانم را یک مرد انجام می داد
فیلمنامه اصلا جذاب نبود. پس می توانیم اینطور
تقسیم کنیم: عده ای هستند که برای پول به زن
نگاه ایزاری دارند. یعنی برای مثال «فرشتگان
چارلی» را می سازند و ما می دانیم که پشت آن
تجارت است، چرا که زن جذابیت هایی را به رمان،
فیلم و نمایش می دهد. عده ی دیگری صادقانه و با
تمام وجود در فیلمی مثل «سرزمین آوارگان» که
برنده ی اسکار شد کار می کنند و زن در موقعیت
و جایگاه خودش تالیف می شود. نیمه ای از این
جهان نه پر خاشگر و نه لزوما مر دستیز است و
نه بیخودی تحت ظلم است، بلکه می خواهد به
نیمه ی دیگرش کمک کند و با مردها جهان را
بسازد؛ آنچنان که خودشان و جهان جدید این
را با اتحادی بین زن و مرد می خواهد. من هم با
اکبر رادی موافقم که می گفت: من با مساله ی زن
در برابر مرد و مرد در برابر زن مخالف هستم حتی
با اینکه می دانم حقوق زنان در ایران داده نشده
معتمد فقط زمانی این حق داده می شود که
مرد خانواده هم بفهمد و قبول کند که زن چقدر
احترام دارد و دوشادوش هم و در کنار هم به
مصاف و به جنگ چهل بروند.

به این کلمه «دوشادوش» اعتقاد
دارید؟ کمی شعاری نیست؟

بله؛ من عاشق عبارت «دوشادوش هم» و «در
کنار هم» هستم و احساس می کنم نسل های
جدید اینطور هستند. پس خود به خود ادبیات
ده سال اخیر ما خیلی متفاوت شده است. وقتی
می نوشتم در ناخودآگاهم نمی دانستم که چرا